

ما، مجری-کارشناس‌ها و المپیک پاریس

جولان توهم توطئه در تلویزیون



سحر طلوعی

سحر طلوعی

این روزها که المپیک پاریس ۲۰۲۴ در حال برگزاری است، یکی از آژاردهنده‌ترین کارها، نشستن پای تلویزیون و دیدن تصاویر مسابقات و شنیدن گزارش گرانشگر-کارشناسان صداوسیماست. تصاویر مقطع و تکراری وسط اوج و فرودهای یک رقابت از یک طرف سوهان روح و روان بیننده می‌شود و سوی دیگر، گزارشگران و مجریان هستند که با اظهارنظرها و ادعاهای عجیب‌وغریب و گاه توهین‌آمیز، مخاطب را از انتخاب صداوسیما برای دنبال‌کردن مسابقات نامید و پشیمان می‌کنند. گزارشگرانی عاری از ظرافت و خلاقیت که سعی می‌کنند حس وطن‌دوستی خود را بیش از هر چیزی با فریاد کشیدن‌های باسمه‌ای به وقت بُرد و با اعتراض به داوری به وقت باخت و شکست، به نمایش بگذارند. آنها که گزارش مسابقات تیمی شمشیربازی را تماشا کرده‌اند، بارها عبارت «شیطنت داوران» را از زبان گزارشگر بازی شنیده‌اند. از قضا در آن بازی تیم ملی شمشیربازی ایران موفق شد آمریکا را شکست دهد. جالب اینکه همان گزارشگر که به وقت ازدست‌رفتن امتیازات، اشتباهات مجری داوری را علت ماجرا می‌دانست، پس از بازی به‌صراحت گفت این برد نتیجه ماها و سال‌ها تلاش و عرق ریختن بازیکنان است. گویی تلاش‌کردن و زحمت‌کشیدن در تقابل با اشتباه‌کردن است و آنها که عرق می‌ریزند هرگز اشتباه نمی‌کنند!

اگر از فریادهای نمایشی و رجزخوانی‌های گاه خجالت‌آور گزارشگران و کارشناسان با اغماض رد شویم، مقصدراستنت داور به وقت باخت قابل چشم‌پوشی نیست. گزاره دوم در همه این سال‌ها در صداوسیما و از زبان کارشناسان و گزارشگران علت‌العلل همه باخت‌ها و ناکامی‌های ورزشی و حتی غیروزشنی ما بوده است. گزارشگران و کارشناسان ما بی‌توجه به کمبودها و اشتباهات بازیکنان و تیم‌ها همواره داوران و دیگر عوامل برگزارکننده بازی‌ها را عامل شکست معرفی کرده‌اند. آنها حتی پا را فراتر گذاشته و از مافیایی گفته‌اند که در پشت پرده مشغول نقشه‌کشیدن و توطئه‌کردن برای زمین‌زدن بازیکنان ما بوده‌اند. این ادعاها و ترندها در دورانی که خبری از منابع و رسانه‌های متفاوت نبود، اگر کار می‌کرد و مخاطب را فریب می‌داد، امروزه و در عصر حاکمیت اینترنت و دسترسی به انواع و اقسام داده‌ها دیگر کارآمد نیست. در روزگاری که هر شهروند به اعتبار گوشی‌های هوشمند به متنوع‌ترین منابع خبری و قوانین و داده‌ها و تحلیل‌های مختلف دسترسی دارد و با فشاردن یک دکمه به موضوع مورد علاقه خود دستت پیدا می‌کند، نمی‌شود با دادن آدرس اشتباه ناگامی‌ها را گردن دیگران انداخت و بر درد شکست، مرهمی از جنس توهم توطئه گذاشت. راستش را بخواهید همه ما با این ترندهای فرافکنانه آشنا هستیم؛ در دوران تحصیل همه نمره‌های خوب‌ها را خودمان با زحمت و تلاش گرفته بودیم و بعدها در معلم از سر عرض و دشمنی داده بود.

ایین بی‌مالاتی و ندانم‌کاری‌ها فقط خاص مجریان و گزارشگران ورزشی تلویزیون نیست. غیبروزشی‌ها هم در بی‌اعتنایی به عقل و شعور مخاطب از همانان ورزشی خود کم ندارند و با هر اظهارنظر مایه تاسف و شگفتی می‌شوند. مجری‌ای که بی‌توجه به تبعات اظهاراتش برای حمله محیرالعقول به اسرائیل مزده می‌دهد و از تریبون مثل تلویزیون استرس جنگ و درگیری برای تماشاگران لقمه می‌گیرد، از هر طرف که نگاه کنیم ناآگاه است؛ نه به ابتدایی‌ترین نکات عملیات نظامی -مخفی‌کاری- واقف است و نه پشتیبزی به سلامت روح و روان جامعه مخاطب خود اهمیت می‌دهد.

بی‌توجهی به شعور و فهم مخاطب بیش از هر چیز از اعتبار گوینده آن می‌کاهد. تکرار ادعاهای الوده به توهم توطئه مانع از اعتماد دوباره مخاطب به گوینده آن می‌شود. گردن‌گرفتن شکست‌ها و ناکامی‌ها و ارجاع‌دادن آن به فرامتن، توهین‌آمیز و آژاردهنده است و از منبع ادعا سلب مرجعیت می‌کند. در تکرارهای بعدی حتی باعث نفرت‌برانگی می‌شود و تولید خشم می‌کند. و بالعکس، پذیرفتن اشتباهات و دیدن واقعیت‌ها هم حس همدلی برمی‌انگیزد و هم تولید اعتبار و احترام می‌کند و مهم‌تر اینکه مانع از انتقال قطعی مرجعیت خبری و تحلیل از داخل به خارج می‌شود. دست‌کم اینکه مخاطب از خودش نمی‌پرسد میان این‌همه بازیکن مربی و تیم چرا همیشه یک تیم و یک گروه اعتراض دارند و بقیه حتی میزبان از پس باخت‌ها و ناکامی‌ها کاری به کار بقیه ندارند؟ رعایت انصاف و عدالت در گزارش و تحلیل نته‌تنبای منافی با حس وطن‌دوستی ندارد، بلکه به مخاطب حس همراهی و اعتماد می‌دهد. پس بیشتر از این ما را پای تلویزیون آزار ندهید.

خبر

در انتظار هلنای گمشده



شرق: هلنا با چشمان درشت و صورت معصومش حالا بیش از ۳۰ روز است که گم شده، از همان شب که با گروهی از خانواده و فامیل به پارک ناژوان اصفهان رفته بودند و او در تاریکی شب ناپدید شد. حتی خانواده حوصله‌ای برای حرف‌زدن و توضیح ماجرا ندارد. حال این خانواده چشم‌به‌راه خبری از دختر کوچکش است. کار هر روزشان همین شده که گوشه‌ای بنشینند و در برابر این همه ابهام فقط گریه کنند. پلیس از همان اول شروع به پیگیری کرده، اما تا الآن هیچ سرنخی پیدا نکرده و خانواده با تمام توان در حال اطلاع‌رسانی هستند. این خانواده در پیامی خطاب به مردم ایران نوشته است: «هلناسادات احمدی، ۱۱ساله با لباس کت‌وشلوار زغالی از جسن لُی در پارک ناژوان روده شده است. پرونده این ماجرا در آگاهی قائمیه اصفهان در حال بررسی است. این خانواده از پاینده خواسته تا با شماره موبایل ۰۹۳۸۸۵۱۵۸۹۶ تماس حاصل فرمایند.»

شرق: در میانه تابستانی گرم از سال‌های آغازین قرن جدید، وقتی خبر گرما و کمبود آب آشامیدنی از یک سو و معضلات مرتبط با فقدان دسترسی بسیاری از مردم کشور به انرژی و قطع برق از سوی دیگر بر هرم تموز افزوده است. وقتی جنگل‌ها از البرز تا زاگرس زیر هیمنه آتش می‌سوزند و کیفیت حیات‌وحش آسیب‌دیده برای مبنایی از حیوانات روزبه‌روز افول کرده است. درست زمانی که هر چند وقت یک بار خبر شوم جدیدی از خشکی تالاب‌ها، از انزلی تا گاوخونی به گوش‌مان می‌رسد و آبزیان و پرنده‌های مهاجرش یا می‌میرند یا از این خاک برای همیشه کوچ می‌کنند. درست در شرایطی که شیوه سفره‌های زیرزمینی را آن قدر مکیده‌اند که فرونشست زمین به قلب پایتخت و وسط میدان ونک تهران رسیده است و هوایی که تنفس می‌کنیم با ریزگردها و آلاینده‌های آن‌قدر آلوده شده است که تعداد روزهای دارای هوای پاک را می‌توانیم با انگشت‌های دست‌مان بشماریم. دقیقاً در دوره‌ای که به گفته بسیاری از کارشناسان حوزه محیط زیست هر روز زمان را برای مقابله و مدیریت بحران‌های مرتبط با منابع طبیعی بیش از گذشته از دست می‌دهیم، سازمان محیط زیست کشور قرار است با مدیریتی قبل از پیش‌شواهد گرفت، بسیاری از دغدغه‌مندان و دلسوزان طبیعت ایران چشم به ریاست این سازمان بسته‌اند. از آنجا که مسعود پزشکیان بارها و بارها در گفت‌وگوهای پیش از انتخابات از تأکیدش بر تخصص گفته بود، حالا انتظار می‌رود که در چیدمان مدیرانش هم همان تأکیدات را لحاظ کند. این مهم‌ترین مطالبه فعالان محیط زیست کشور است. تعدادی از آنها در گفت‌وگو با «شرق» با برشمردن ویژگی‌هایی همچون تخصص و دانش تأکید کردند که مدیر این سازمان نباید از خارج این مجموعه به یا سفارش این مدیر و آن جناح باشد، بلکه نجات منابع طبیعی ایران به کسی نیاز دارد که تجربه کار و فعالیت در این حوزه را داشته باشد، بدنه نیروهایش را بشناسد و بتواند با جذب بهترین و دلسوزترین‌ها، محیط زیست تحت خطر ایران را نجات دهد.

زمانی برای از دست رفتن نیست

«مهدی تیموری هستم با ۲۷ سال خدمت در سازمان حفاظت محیط زیست؛» این کارشناس و مدیر پیشین سازمان حفاظت محیط زیست، سخنانش را با این جمله شروع می‌کند تا نشان دهد سابقه‌اش فقط به شش سال مدیریت در پارک ملی گلستان که نامش با آن گره خورده، محدود نمی‌شود. او در این سازمان گرم و سرد زیادی چنیده است. تیموری می‌گوید: «با احترام به همه دوستان، در ۲۵ سال گذشته روال انتخاب رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، خارج از بدنه این سازمان بوده است که نتایج آن را می‌بینیم.» او با اشاره به اینکه گرچه ممکن است بین اوضاع ناپسامن محیط زیست و انتخاب رئیس سازمان ارتباطی به نظر نرسد، می‌افزاید: «آنچه تاکنون اتفاق افتاده این بوده که افراد خارج از سازمان وقت و زمان زیادی را برای آشنایی با بدنه از دست داده‌اند و به همین علت به مشورت مشاورانی توجه کرده‌اند که در مواردی آنها هم خارج از بدنه سازمان بوده‌اند. این آزمون و خطا هزینه سنگینی برای محیط زیست داشته است.»

تیموری معتقد است انتخاب رئیس محیط زیست از بدنه اجرایی، تصمیم بهتری خواهد بود. او می‌گوید: «خواهشم این است که یک بار این کار انجام و خیر و برکات آن برای این سرزمین در آینده مشاهده شود.»

تیم رئیس به اندازه او اهمیت دارد

لیلا جولایی، کارشناس اداره کل حفاظت محیط زیست استان فارس، دو دهه است که در محیط زیست کار می‌کند، او می‌گوید: «به‌عنوان کارشناسی که در دهه آخر فعالیتش در محیط زیست است و در ۲۰ سال گذشته ریاست افراد مختلف بر فضای سازمان اعم از خانم معصومه ابتکار، خانم فاطمه جوادی یا آقای محمد‌جواد محمدی‌زاده و آقای عیسی کلانتری و… را دیده‌ام، معتقدم دیدگاه کسی که در رأس کار در این سازمان قرار می‌گیرد بسیار مهم است.» او به تلاش‌های این روزهای فعالان محیط زیست و بدنه این سازمان اشاره می‌کند؛ تلاش‌هایی‌که به گفته او روی انتخاب فردی از بدنه این سازمان متمرکز بوده است. جولایی می‌افزاید: «این خواسته به نظر می‌رسد در حال محقق‌شدن است و در فهرست کاندیداهای معرفی‌شده افرادی را



همه آنچه رئیس جدید سازمان محیط زیست نیاز دارد

تخصص، تجربه و قلبی تپنده برای خاک ایران

می‌بینیم که در این سازمان خدمت کرده و کارشناس و مدیر بوده‌اند؛ کسانی که همه مشکلات این سازمان را لمس کرده‌اند.»

به گفته جولایی، در کنار شرط درون‌سامانی بودن، فردی که در رأس محیط زیست ایران قرار می‌گیرد، باید مؤلفه‌های دیگری را هم داشته باشد. او می‌گوید: «در کنار اینکه رئیس سازمان حفاظت محیط زیست باید با چالش‌های محیط زیست و بافت و ساختار سامانی آشنا باشد، ما به مدیری نیاز داریم که بتواند تغییراتی در بدنه سازمان به وجود آورد.» از نظر این کارشناس محیط زیست، معیارهایی که این روزها فعالان محیط زیست از آن صحبت می‌کنند، در یک فرد جمع نمی‌شود. او اضافه می‌کند: «من معتقدم رئیس سازمان نیاز به تیمی قوی دارد که بتواند انتظارات را تا حدودی برآورده کند. نیازی نیست که این رئیس به همه حوزه‌ها اعم از محیط زیست انسانی، حقوقی یا محیط زیست طبیعی کاملا اشراف داشته باشد، بلکه تیم زيردستش می‌تواند کمک کند و کارها را برایش پیش ببرد.»

گزینه‌هایی که این روزها توانسته‌اند در فهرست هشت‌نفره قرار بگیرند، به گفته جولایی اغلب مدیران کل استان‌ها بوده‌اند که به حوزه‌های مختلف آشنایی دارند. او می‌گوید: «بنابراین، اینکه بگویم رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در دولت جدید باید متخصص محیط زیست طبیعی یا انسانی باشد درست نیست، بلکه تیم سازمانی که قرار است با او کار کند مهم است. او باید با کارشناسان و مدیرانی که در این چند سال حذف شده‌اند و فعالان محیط‌زیستی که کنار گذاشته شده‌اند، کار کرده و از پتانسیلی که دارند برای رسیدن به مطالبات و بهبود شرایط کمک بگیرد.»

جولایی نیم‌نگاهی هم به وضعیت محیط طبیعی دارد و در این‌باره می‌گوید: «بیشتر تالاب‌های بین‌المللی خشک شده‌اند، جمعیت پرندگان مهاجر به‌شدت کاهش یافته است و اغلب گونه‌های حیات‌وحش جمعیتی شکننده دارند. در مناطقی آزاد که تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست نیست، شرایط بدتری را تجربه می‌کنیم و مهم‌ترین دلیل پیش‌آمدن این‌ها وضعیت هم نبود مدیریت یکپارچه است. متأسفانه در استان‌ها و وزارتخانه‌ای ساز خودش را می‌زند. مدیریت یکپارچه درباره منابع طبیعی وجود ندارد و همه درصد بهره‌برداری بیشتر از منابع طبیعی هستند. اگر اشاره‌ای به محیط زیست می‌شود بیشتر جنبه تشریفات دارد و کارکرد عملی و درمانی برای طبیعت بیمار نبوده است.»

مشارکت‌پذیر، دارای مهارت چانه‌زنی و متخصص

«علی شمس»، بیولوژیست حفاظت و محقق دانشگاه «کیپ‌تاون» نیز معتقد است در انتخاب مدیر بعدی سازمان حفاظت محیط زیست چند نکته مهم باید مدنظر قرار گیرد.

او توضیح می‌دهد: «رئیس سازمان محیط زیست به‌عنوان دستگاه تخصصی، نیاز به دانش خاص این موضوع دارد. بسیاری از مدیران قبلی متأسفانه از خارج از بدنه بوده و به این موضوع آگاهی نداشتند. انتخاب از خارج از بدنه سازمان از چند بُعد به جریان مدیریت سازمان صدمه می‌زند؛ اولین آنها این است زمانی که فرد به مدیریت می‌رسد تا با پیچ‌وخم‌های سازمانی و بوروکراسی سازمان حفاظت محیط زیست آشنا شود و در جریان جزئیات محیطیانی، یگان حفاظت، به‌ویژه بخش‌های تخصصی‌تر نظیر تنوع زیستی، تالاب‌ها، آلودگی هوا و… قرار گیرد، مدتی زمان می‌برد.»

به گفته شمس بعد از انتخاب کابینه یک زمان طلایی پنج تا شش ماه وجود دارد تا رازینی‌ها و بده‌بستان‌های بین‌سازمانی شکل بگیرد. او می‌افزاید: «اگر مدیر سازمان حفاظت محیط زیست از خارج بدنه آن باشد، به دو، سه ماه زمان برای آشنایی با حوزه کاری و سازمان نیاز دارد و عملاً این فرصت طلایی رازینی با سایر ارگان‌ها از دست می‌رود. سازمان حافظت محیط زیست به خاطر ردیف بودجه و جایگاهش نتوانسته مانند سایر وزارتخانه‌ها منابع را جذب کند و اثرگذاری برای کنترل صنایع و معادن داشته باشد. در این شرایط مدیر خارج از سازمان تا بخواهد وارد جریان رازینی به‌عنوان یک ابزار اثرگذار شود، فرصت زیادی را از دست می‌دهد.»

او با همین استدلال معتقد است اولین و مهم‌ترین حسن رئیس انتخاب‌شده از بدنه سازمان حفاظت محیط زیست آن است که در مدت کوتاهی به کل جریان واقف شده و در جریان رازینی نقش مؤثری را ایفا می‌کند. او می‌گوید: «در کنار این مؤلفه ما نیاز به مدیری داریم که توان چانه‌زنی بین‌سازمانی را داشته باشد. از داخل سازمان کسانی هستند

نگاه

ضرورت‌های پیش‌رو در تشکیل دیارتمان بهینه‌سازی مصرف انرژی

امین ابدالی، کارشناس تحلیل حوزه انرژی مطالعات نشان می‌دهند بیش از ۹۹ درصد انرژی مورد نیاز کشور از سوی وزارت نفت تامین می‌شود و سهم این وزارتخانه از مصرف، کمتر از یک درصد است. این در حالی‌است که مسئولیت بهینه‌سازی مصرف سوخت نیز علی‌رغم سهم تسهیم ناچیز مصرف به همین وزارتخانه واگذار شده است. این مهم نه‌تنها در دیگر کشورهای جهان به شرکت‌های عرضه‌کننده انرژی واگذار نمی‌شود، بلکه با روح مسئولیت‌های سازمان و نهادهایی همچون وزارت نفت که خود از تولیدکنندگان انرژی است، منافاتی بنیادین دارد؛ چراکه شرکت‌های عرضه‌کننده انرژی عوایدشان از مصرف بیشتر انرژی است که تامین می‌شود، نه مصرف کمتر. در همین ارتباط و با توجه به تشدید ناترازی‌های اخیر در بخش‌های گاز، برق و بنزین، نیازی‌که بیش از پیش احساس می‌شود، تشکیل دیارتمانی فراوزارتخانه‌ای در محث انرژی است تا بخش‌های برمصرف انرژی در کشور را رصد و از طریق وزارتخانه‌های متبوع آنها اقدام به حل مشکل کند. شایان ذکر است که تشکیل دیارتمان مذکور، نافق تشککل‌های انرژی در وزارتخانه‌ها(شرکت‌های زیرمجموعه) نبوده است بلکه مجموعه‌ای است که رسالت آن هم‌گرا کردن تصمیمات برآمده از هرکدام ازوزارتخانه‌هاست.

ناترازی در گاز طبیعی؛ میزان مصرف گاز طبیعی کشور در سال گذشته معادل روزانه ۱.۳ میلیون بشکه نفت خام در بخش صنعتی، ۱.۲ میلیون بشکه نفت خام در بخش نیروگاهی و یک میلیون بشکه نفت خام در بخش خانگی، تجاری و صنایع غیرعمده بوده است. بر اساس داده‌های مؤسسات معتبر بین‌المللی، سهم گاز طبیعی را جمع کنیم و در جلسه صوری حرف‌ها را بشنویم اما در عمل کار خودمان را انجام دهیم، مشارکت نیست. متأسفانه این رویه را بسیاری از مدیران و معاونان سازمان داشته‌اند. بلکه وقتی از مشارکت صحبت می‌کنیم که از مراحل اول تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی، اجرا و نظارت این رویه وجود داشته باشد. کمتر مدیری را در سازمان حفاظت محیط زیست داریم که این روش را اجرا کند، اما در مواردی افرادی بوده‌اند که این کار را انجام داده‌اند. این گروه از مدیران در عمل مشارکت را به معنای واقعی خودش پیگیری کرده و عمل‌ها را به شکلی ایجاد کردند که تمام افراد و متخصصان علاقه‌مند در بُعد طراحی، تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت درگیر فعالیت اجرا شدند.»

اعتماد را به مردم برگردانید

علی گودرزی، جزئی از جامعه محلی و فعالان محیط زیست حاشیه پارک ملی گلستان است. به گفته او مهم‌ترین اولویت برای محیط زیست ایران این است که فردی به ریاست برسد که کارنامه خوبی از خود به‌جا گذاشته باشد. او می‌افزاید: «حمید ظهرانی از پایه و محیطیاتی شروع کرده تا به معاونت سازمان حفاظت محیط زیست رسیده است. او کاملاً دغدغه‌های محیطبان و محیط زیست را می‌شناسد.» از نظر گودرزی، محیط زیست‌ما امروز دچار بحران سختی شده است؛ آب‌های زیرزمینی ما کاهش یافته و زیستگاه‌هایمان از دست رفته است. او اضافه می‌کند: «مردم زمانی با ما همراه می‌شوند که بدانند رئیس سازمان حفاظت محیط زیست خودش هم پای کار است و زحمت می‌کشد. پیشهاد من این است که دولتمردان فکری بیندیشند و سراغ مدیری بروند که با دانش روز دنیا و حفاظت آشنا باشد؛ کسی که پشتوانه مردمی دارد و بدنه سازمان حفاظت محیط زیست هم به او اعتماد دارد.»

کارزاری برای سازمان محیط زیست

در همین زمینه، یک کارزار جمع‌آوری امضا هم راه‌اندازی شده است که تا لحظه نگارش این گزارش، نزدیک به دوهزارو ۵۰۰ امضا کسب کرده است. در بخشی از متن این کارزار که خطاب به رئیس جمهوری نوشته شده، آمده است: «از شما تقاضا داریم شخصی را به‌عنوان رئیس سازمان حفاظت محیط زیست انتخاب نمایید که در بدنه سازمان رشد یافته و کارآزموده است، نه اشخاصی که به جناح‌های سیاسی متصل یا توسط افراد سیاسی یا رؤسای ادوار سفارش شده‌اند.»
چهره‌های برجسته‌ای از بدنه متخصص، تحصیل‌کرده، فعال و باتجربه عرصه محیط زیست ایران ازجمله «جلیل بادام‌فیروز» رئیس پژوهشکده محیط زیست و توسعه پایدار، «امیر عبدوس» مدیرکل پیشین حفاظت محیط زیست استان سمنان، «مسعود شاحسینی» مدیر پارک ملی کویر، «احمد رادمان» مدیر پیشین پارک ملی توران، «فیروزه‌سادات سعادتی» رئیس پیشین اداره آموزش و مشارکت‌های مردمی حفاظت محیط زیست استان اصفهان، «مدرّ تیموری» مدیر پیشین پارک ملی تندوره، «سیدمحمود قاسمپوری» هیئت‌علمی دانشگاه تربیت‌مدرس، «محمود صوفی» پژوهشگر یساختنکرای دانشگاه کویتینگ آلمان، «محمداصادق فرهادی‌نیا» هیئت‌علمی دانشگاه Kent انگلستان، «لیلی خلعتبری» دکتری تنوع‌زیستی، حفاظت و تکامل در دانشگاه CIBIO مرکز تحقیقاتی بوترو، «حمیدرضا رضایی» هیئت‌علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، «مرتضی نادری» هیئت‌علمی دانشگاه اراک و «ابوالقاسم خالقی‌زاده» استادیار بیولوژی و کشاورزی مؤسسه تحقیقات کبایه‌پزشکی کشور بخشی از امضاکنندگان این نامه هستند.

ضرورت‌های پیش‌رو در تشکیل دیارتمان

بهینه‌سازی مصرف انرژی

امین ابدالی، کارشناس تحلیل حوزه انرژی مطالعات نشان می‌دهند بیش از ۹۹ درصد انرژی مورد نیاز کشور از سوی وزارت نفت تامین می‌شود و سهم این وزارتخانه از مصرف، کمتر از یک درصد است. این در حالی‌است که مسئولیت بهینه‌سازی مصرف سوخت نیز علی‌رغم سهم تسهیم ناچیز مصرف به همین وزارتخانه واگذار شده است. این مهم نه‌تنها در دیگر کشورهای جهان به شرکت‌های عرضه‌کننده انرژی واگذار نمی‌شود، بلکه با روح مسئولیت‌های سازمان و نهادهایی همچون وزارت نفت که خود از تولیدکنندگان انرژی است، منافاتی بنیادین دارد؛ چراکه شرکت‌های عرضه‌کننده انرژی عوایدشان از مصرف بیشتر انرژی است که تامین می‌شود، نه مصرف کمتر. در همین ارتباط و با توجه به تشدید ناترازی‌های اخیر در بخش‌های گاز، برق و بنزین، نیازی‌که بیش از پیش احساس می‌شود، تشکیل دیارتمانی فراوزارتخانه‌ای در محث انرژی است تا بخش‌های برمصرف انرژی در کشور را رصد و از طریق وزارتخانه‌های متبوع آنها اقدام به حل مشکل کند. شایان ذکر است که تشکیل دیارتمان مذکور، نافق تشککل‌های انرژی در وزارتخانه‌ها(شرکت‌های زیرمجموعه) نبوده است بلکه مجموعه‌ای است که رسالت آن هم‌گرا کردن تصمیمات برآمده از هرکدام ازوزارتخانه‌هاست.

ناترازی در گاز طبیعی؛ میزان مصرف گاز طبیعی کشور در سال گذشته معادل روزانه ۱.۳ میلیون بشکه نفت خام در بخش صنعتی، ۱.۲ میلیون بشکه نفت خام در بخش نیروگاهی و یک میلیون بشکه نفت خام در بخش خانگی، تجاری و صنایع غیرعمده بوده است. بر اساس داده‌های مؤسسات معتبر بین‌المللی، سهم گاز طبیعی را جمع کنیم و در جلسه صوری حرف‌ها را بشنویم اما در عمل کار خودمان را انجام دهیم، مشارکت نیست. متأسفانه این رویه را بسیاری از مدیران و معاونان سازمان داشته‌اند. بلکه وقتی از مشارکت صحبت می‌کنیم که از مراحل اول تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی، اجرا و نظارت این رویه وجود داشته باشد. کمتر مدیری را در سازمان حفاظت محیط زیست داریم که این روش را اجرا کند، اما در مواردی افرادی بوده‌اند که این کار را انجام داده‌اند. این گروه از مدیران در عمل مشارکت را به معنای واقعی خودش پیگیری کرده و عمل‌ها را به شکلی ایجاد کردند که تمام افراد و متخصصان علاقه‌مند در بُعد طراحی، تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت درگیر فعالیت اجرا شدند.»

اعتماد را به مردم برگردانید

علی گودرزی، جزئی از جامعه محلی و فعالان محیط زیست حاشیه پارک ملی گلستان است. به گفته او مهم‌ترین اولویت برای محیط زیست ایران این است که فردی به ریاست برسد که کارنامه خوبی از خود به‌جا گذاشته باشد. او می‌افزاید: «حمید ظهرانی از پایه و محیطیاتی شروع کرده تا به معاونت سازمان حفاظت محیط زیست رسیده است. او کاملاً دغدغه‌های محیطبان و محیط زیست را می‌شناسد.» از نظر گودرزی، محیط زیست‌ما امروز دچار بحران سختی شده است؛ آب‌های زیرزمینی ما کاهش یافته و زیستگاه‌هایمان از دست رفته است. او اضافه می‌کند: «مردم زمانی با ما همراه می‌شوند که بدانند رئیس سازمان حفاظت محیط زیست خودش هم پای کار است و زحمت می‌کشد. پیشهاد من این است که دولتمردان فکری بیندیشند و سراغ مدیری بروند که با دانش روز دنیا و حفاظت آشنا باشد؛ کسی که پشتوانه مردمی دارد و بدنه سازمان حفاظت محیط زیست هم به او اعتماد دارد.»

کارزاری برای سازمان محیط زیست

در همین زمینه، یک کارزار جمع‌آوری امضا هم راه‌اندازی شده است که تا لحظه نگارش این گزارش، نزدیک به دوهزارو ۵۰۰ امضا کسب کرده است. در بخشی از متن این کارزار که خطاب به رئیس جمهوری نوشته شده، آمده است: «از شما تقاضا داریم شخصی را به‌عنوان رئیس سازمان حفاظت محیط زیست انتخاب نمایید که در بدنه سازمان رشد یافته و کارآزموده است، نه اشخاصی که به جناح‌های سیاسی متصل یا توسط افراد سیاسی یا رؤسای ادوار سفارش شده‌اند.»
چهره‌های برجسته‌ای از بدنه متخصص، تحصیل‌کرده، فعال و باتجربه عرصه محیط زیست ایران ازجمله «جلیل بادام‌فیروز» رئیس پژوهشکده محیط زیست و توسعه پایدار، «امیر عبدوس» مدیرکل پیشین حفاظت محیط زیست استان سمنان، «مسعود شاحسینی» مدیر پارک ملی کویر، «احمد رادمان» مدیر پیشین پارک ملی توران، «فیروزه‌سادات سعادتی» رئیس پیشین اداره آموزش و مشارکت‌های مردمی حفاظت محیط زیست استان اصفهان، «مدرّ تیموری» مدیر پیشین پارک ملی تندوره، «سیدمحمود قاسمپوری» هیئت‌علمی دانشگاه تربیت‌مدرس، «محمود صوفی» پژوهشگر یساختنکرای دانشگاه کویتینگ آلمان، «محمداصادق فرهادی‌نیا» هیئت‌علمی دانشگاه Kent انگلستان، «لیلی خلعتبری» دکتری تنوع‌زیستی، حفاظت و تکامل در دانشگاه CIBIO مرکز تحقیقاتی بوترو، «حمیدرضا رضایی» هیئت‌علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، «مرتضی نادری» هیئت‌علمی دانشگاه اراک و «ابوالقاسم خالقی‌زاده» استادیار بیولوژی و کشاورزی مؤسسه تحقیقات کبایه‌پزشکی کشور بخشی از امضاکنندگان این نامه هستند.